

خبر نامه

چریکهای فدائی خلق ایران - مازندران

شماره: ۸

تاریخ: ۱۳۵۸/۱۰/۱

در این شماره به گزارش مبارزات چریکهای فدائی خلق ایران در مازندران پرداخته شده است. در این نواحی مبارزات در حال گسترش است و چریکها با استفاده از روشهای نوین مبارزه با رژیم پهلوی در حال فعالیت هستند. این مبارزات با هدف براندازی رژیم پهلوی و ایجاد حکومتی دموکراتیک و سوسیالیستی در ایران انجام میشود.

در این شماره به گزارش مبارزات چریکهای فدائی خلق ایران در مازندران پرداخته شده است. در این نواحی مبارزات در حال گسترش است و چریکها با استفاده از روشهای نوین مبارزه با رژیم پهلوی در حال فعالیت هستند. این مبارزات با هدف براندازی رژیم پهلوی و ایجاد حکومتی دموکراتیک و سوسیالیستی در ایران انجام میشود.

**باید در جریان مبارزات توده‌ها،
در هر شکل و سطحی که باشد،
قرار داشت و آنرا ارتقاء داد!**

در این شماره به گزارش مبارزات چریکهای فدائی خلق ایران در مازندران پرداخته شده است. در این نواحی مبارزات در حال گسترش است و چریکها با استفاده از روشهای نوین مبارزه با رژیم پهلوی در حال فعالیت هستند. این مبارزات با هدف براندازی رژیم پهلوی و ایجاد حکومتی دموکراتیک و سوسیالیستی در ایران انجام میشود.

در این شماره به گزارش مبارزات چریکهای فدائی خلق ایران در مازندران پرداخته شده است. در این نواحی مبارزات در حال گسترش است و چریکها با استفاده از روشهای نوین مبارزه با رژیم پهلوی در حال فعالیت هستند. این مبارزات با هدف براندازی رژیم پهلوی و ایجاد حکومتی دموکراتیک و سوسیالیستی در ایران انجام میشود.

مبارزات چریکهای فدائی خلق ایران در مازندران در حال گسترش است. این مبارزات با استفاده از روشهای نوین مبارزه با رژیم پهلوی در حال انجام میشود. چریکها با هدف براندازی رژیم پهلوی و ایجاد حکومتی دموکراتیک و سوسیالیستی در ایران فعالیت میکنند.

مبارزات چریکهای فدائی خلق ایران در مازندران در حال گسترش است. این مبارزات با استفاده از روشهای نوین مبارزه با رژیم پهلوی در حال انجام میشود. چریکها با هدف براندازی رژیم پهلوی و ایجاد حکومتی دموکراتیک و سوسیالیستی در ایران فعالیت میکنند.

پیش بسوی سازماندهی مسلح توده‌ها!

اخبار و گزارشات

آبکنار

همانطور که میدانیم، تودها در جریان مبارزات گذشته، همه آرمانها و تفکر انقلابی خویش را بصورت شعارهایی بر روی در و دیوارها مینوشتند و بدین ترتیب آنچه را که در ذهن انقلابی خویش داشتند ظاهر ساخته، حضور تفکر انقلابی خود را در تمام هستی مادی جهان اطراف خود نشان میدادند و این عمل هنوز هم ادامه دارد از جمله در روستای "تربه بر" و حومه آن نیز شعارهایی بر علیه یکی از پهلداران معروف روستای آبکنار کشته رباخواری او زیانزد خاص و عام است و ثروت خود را صرفاً از راه مفتخواری و کسب و کار کاملاً غیر شرافتمندانه بدست آورده است، نوشتند. رباخوار مذکور روز بعد از نوشته شدن شعار با تفاق پسرش در "بازارچه" که محل اجتماع کشاورزان و ساکنین است حضور یافت و برای دفاع از منافع رزبیلانه خود که متضمن مکیدن خون هزاران زحمتکش شریف ایرانی است، بیشرمانه ترین و توهین آمیزترین دشنامها را نثار روستائیان و اعضای خانواده آنها نمود. پس از این جریان، اهالی روستا جریان را به اطلاع "شورای انقلاب اسلامی بندر انزلی" و خود فرماندار رسانده، دادخواهی نمودند. اما همانطور که انتظار میرفت بجای رسیدگی به مسئله و تعقیب رباخوار که شعونات اجتماعی یکی از شریف ترین و زحمتکش ترین طبقات جامعه ما را مورد اهانتهای دون صفتانه خویش قرار داده بود، پیرونده این جریان به پاسگاه ژاندارمری فرستاده شد که در آنجا هم با پای در میانی، "پول" جریان بظاهر فیصله یافت.

اما رباخوار فوق به این حد از تحقیر و آزار روستائیان بسنده نکرد و با گردآوری ایادی و بستگان شرور خود و مجهز کردن آنها با وسائل ایراد ضرب و جرح چون چماق و با ایجاد یک نزاع به مضروب ساختن کشاورزان پرداخت و همان بر چسبی را که ارتجاع به او آموخته بود، یعنی "ضد انقلاب" را، در مورد این زحمتکش بکار برد.

با اینهمه سوابق ضد مردمی این رباخوار مشعل همیشه، "سپاه پاسداران"، پاسداری از منافع این شخص را بمسئله گرفته و در خانه او در روستای مذکور مستقر شده است.

خود او با اهل خانواده، منزل را ترک کرده بشهر کوچیده است و وانمود میکند که روستائیان قصد آتش زدن منزل او را دارند. البته او که عمری چون زالو از ثمره رنج و کار کشاورزان، یعنی مایه هستیشان ارتزاق کرده است، باید هم از خشم انقلابی آنان بیضناک باشد اما کشاورزان، بحکم شناختی که در گذشته از وی دارند در اینجا نیز پای دسیسه ای را در میان می بینند بدین ترتیب که او با اجرای یک توطئه و آتش زدن خانه ای که دیگر چون گذشته نمیتواند در آن بیارامد توسط ایادی خود، انجام این عمل را بگردن کشاورزان بیاندازد و بدینوسیله از بیمه پول تلکه کند.

قابل توجه است که فرماندار بندر انزلی و بخشدار ناحیه، بدون تشکیل جلسه عمومی با شرکت روستائیان، این آقا را بسبب عضو شورای دهقانی انتخاب کرده و این انتصاب مورد تأیید سایر مسئولین نیز قرار گرفته و آنچه توجهی نشده، خواست واقعی خود روستائیان است.

شهرسوار

همانطور که قبلاً گزارش دادیم، کشاورزان "لا تمحله" (از بخش کتلم - شهرسوار) روز سه شنبه ۵۸/۸/۲۳ بد نبال یک سلسله درگیریها که با تقی خان خلعتبری بزرگ زمیندار ناحیه فوق داشتند برای آنکه فریاد حق طلبانه خود را بگوش همه مردم برسانند - دستجمعی تظاهراتی در شهر برپا کردند.

اعتراض و دادخواهی کشاورزان بهمین حرکت محدود نشده بلکه آنان بارها با مراجعه به مقامات مسئول نیز خواستار حل مشکلات خود بودند و از جمله تا آن تاریخ ۴ بار به "دادگاه عدل اسلامی" رجوع کرده هر چهار بار بی نتیجه بازگشتند.

بعلاوه کشاورزان با راهپیماییهای مکرر و تحصن مردم را در جریان خواسته های خود گذارند و بالاخره با فشار فراوان آنان و حمایت مردم - آزاده "دادگاه عدل اسلامی" ناچار شد تشکیل جلسه داده، موضوع را مورد رسیدگی قرار دهد. این دادگاه "رور سه شنبه ۵۸/۹/۲۰ در

سالن آمفی تاتر شیرو خورشید سرخ شهسوار تشکیل شد و گویی نه فقط دادگاه یک زمیندار، بلکه دادگاهی بود که در آن کشاورزان خواهان حق، بیعدالتیها و ستم‌هایی را که بر آنان رفته بود و همه عوامل و عناصر دخیل در این امر را محاکمه میکردند. آنان که حمایت ملای ده از زمیندار مذکور را بیاد داشتند. آنان که عدم رسیدگی به پرونده را از سوی مسئولین بیاد داشتند، چنان خشم خود از بی‌اعتنایی به خواسته‌هایشان را بیان داشتند که دادستان دادگاه انقلاب "گفت: شما تقی خان را محاکمه میکنید یا مرا؟!"

ولی در نظر کشاورزان تفاوت چندان نبود: منافع ارتجاع شریاطی بوجود آورده بود که زمینداران - بزرگ زمینهای آنان را غصب نمایند، ملا بر تجاوزات و استثمار این زمینداران آب تپه میریخت، و "مجری عدالت" رابطه اجتماعی زمیندار را با زمین غصبی و کشاورزان مورد ستم - در بیانی حقوقی رسمیت میبخشید.

در جریان دادگاه یکی از کشاورزان به قطع حد و ۶۰۰ اطله نهال توسط ایادی زمیندار اشاره کرد و در پاسخ دادستان که پرسیده بود چه کسی را محاکمه میکنید گفت: شما را هم محاکمه میکنیم زیرا شما مانع از انجام عمل فوق نشدید.

وضعیت فلاکت‌بار کشاورزان لات محله خود بهترین گواه آنست که این ۶۰۰ اصله نهال - چنانچه نقشی در زندگی آنان بازی میکرد و زمیندار مذکور که در شرایط هرج و مرج موجود راهی جز حفظ منافع خود بکامک ایادی خصوصی نمیدید، تا بر - قراری حمایت سازمانیافته ارتجاع از خود، با این

اقدام ضربه مهلکی بر کشاورزان وارد آورده بود. البته دادگاه نیز از طرف ورای قطعی طفره رفت و آنرا موکول به جلسه دیگری نمود در حالیکه از نظر کشاورزان جنایات تقی خان مسلم، غیر قابل گذشت و مستوجب شدیدترین مجازاتها بود.

دنباله خبرها

بابل

روز یکشنبه ۲۵/۹/۵۸ با اعلام زنگ تفریح دانش‌موزان یکی از کلاسهای دبیرستان "محبوبه متحدین" بحیاط دبیرستان ریخته شروع به شعار دادن نمودند. روز قبل دانش‌آموزان در کلاس درباره مسائل مربوط به خود و محیط دبیرستان گفتگو و تبادل نظر میکردند که خبر آن بگوش مدیر دبیرستان رسید. آنان که در رژیم سابق از حق هرگونه اظهار نظر محروم بودند، و فرهنگ استعماری آنچنان زمینه‌هایی را ایجاد کرده بود که اکثریت عظیم آموزگاران نشان بحای ارشاد فکری و القاء آگاهی در زمینه حقوق اجتماعی، دانسته و ندانسته آنانرا تحمیق میکردند، پس از ۲۱ و ۲۲ بهمن گذشته تصمیم گرفتند بمصدق ضرب المثل "حق گرفتنی است نه دادنی" حق تبادل نظر در مورد مسائل سرنوشت‌ساز و تلاش جمعی برای احقاق حقوق حقه خویش را برای خود محفوظ نگهدارند و بهمین جهت منکماً در مورد مسائل اجتماعی و همچنین حقوق صنفی - سیاسی خود به بحث می‌نشینستند (و میشینند) میتوان از اقداماتی نام برد که در زمینه حقوق خود

زمین از آن کسی است

که روی آن کار میکند

بآن دست زده اند: همین چندی پیش بود که عده ای از دانش آموزان سیاهکل در اعتراض به نداشتن سیال ختمان مناسب جهت تشکیل کلاسهای خود، اداره آموزش و پرورش این ناحیه را با حرکتی جمعی بتصرف از آوردند و هنوز نیز آنها در اختیار خود دارند. کوششهای پیگیرانه دانش آموزان بهشهر را در خبر نامه شماره ۷ دیدیم. آنان با اتحاد کامل مجدانه از حقوق خویش و حرکات مترقی معلمین خویش، دفاع و حمایت کردند و در اثر اقداماتشان، واقعیات هرچه عیانتر خود را نشان دادند. طوریکه در دنباله وقایع مدرسه "شرافت"، حتی تعدادی از دانش آموزانی که ندانسته وسیله پیشبرد ایده های سخیف ارتجاع واقع شده بودند، با آگاهی از چگونگی حقایق تحریف شده، خواستار اعاده حیثیت از معلمین اهانت دیده شدند. آنان که در شبکه ای از روابط و تبلیغات مسخ کننده و تحمیق فرهنگی محصور گشته اند، اگر از آنچه در بطن قضا نپخته است آگاه شوند، بجای پیشبرد اهداف ارتجاع، مسئولانه آنها افشاء خواهند کرد و بهمین جهت بود که دیدیم چگونه ارتجاع با انواع بخشنامه ها و محدودیت ها تلاش نمود از رشد آگاهی در بین آنان جلوگیری نماید. در این زمینه هفته گذشته شهسوار شاهسوار جریانی بود که در زیر میخوانید:

در دبیرستان "حافا" یکی از مسئولین که با فعالیت سیاسی دانش آموزان در دبیرستان مخالف است در حال کندن اعلامیه از دیوار بود یکی از محصلین از او عکسبرداری نمود. این جریان منجر به تنبیه دانش آموز عکاس توسط مدیر شد که البته بی جواب ماند. پس از این واقعه، دانش آموزان دبیرستان فوق از کلاسها خارج شده شعارهایی بر علیه مسئول فوق الذکر دادند و خواستار اخراج او شدند.

× × × × ×

بهر حال چون خبر گفتگوی یاد شده در مدرسه "محبوبه متحدین" بابل بگوش مدیر دبیرستان رسید وی نماینده کلاس را احضار نمود و طی گفتگوی او را توطئه گر خواند! پس از بازگشت نماینده، دانش آموزان که از سلطه فرهنگ ارتجاعی و اقدامات تحدید کننده ایادی ارتجاع سخت در خشم بودند، بامشتهای گره کرده و پای بر زمین کوبان بحیاط آمده به شعار دادن پرداختند. پاره ای از شعارهای دانش آموزان بدینقرا بود: معلم جاسوس، اخراج باید گردد... فرهنگ استعماری، نابود باید گردد... جاسوسی جاسوسی، رکن اصل ساواک... درد مادر شماسست یاران بما ملحق شود.

+ + + + +

دشت ناز

* * * * *

غروب روز چهارشنبه ۲۱/۹/۵۸، آقای طباطبائی رئیس کل "دادگاه انقلاب" مازندران باتفاق آقایان نماینده وزارت کار، فرمانده سپاه پاسداران، رئیس بنیاد مستضعفین مازندران (میر محمدی)، در دشت ناز واقع در ۱۵ کیلومتری شمال شرقی ساری (ناحیه میانرود) حضور یافت و کارگرانی را که از ۳ روز قبل

درود به شاگردان

واقعی صید بهرنگی

یعنی روز دوشنبه ۵۸/۹/۱۹ کارفرمای خویش را به گروگان گرفته بودند مورد توب و تشر قرار داد و با باد آوری مجازات تعیین شده برای گروگان گیری ، (از ۳ ماه تا ۳ سال حبس) ، قصد تهدید و ارباب آنان را داشت اما کارگران در پاسخ گفتند : ما ۳۰۰ نفریم و همه دستجمعی به گروگان گیری میادرت ورزیدیم ، اگر میخواهید کسی را زندانی کنید ، باید هر ۳۰۰ نفر را به زندان بیاندازید .

برای آنکه علت این اقدام کارگران را دریابیم باید اندکی بمعقب بازگردیم :

میدانیم که یکی از حوزه های سرمایه گذاری امپریالیستی در کشور ما ، بخش کشاورزی بود . در این زمین "باشم نزاقی سرمایه دار معروف آمریکایی ، ۲۰ هزار هکتار از اراضی زیر سد دز را تبدیل به مزارع مکانیزه و دامداری مدرن کرده و شرکت "داچ شل" نیز ۲۰ هزار هکتار را . ارتش اراضی زیر سد سفید رود (رشت) را به زیر کشت و دامپروری کشیده و . . . شاهپور محمود رضائی اراضی "نیمه چوله" (ساری) را . همچنین حدود ۳۰۰۰ هکتار از زمینهای مزروعی اطراف روستاهای "زیت علیا - زیت سفلی" ، "وزندان" ، "آسیا بسر" ، "بزمین آباد" ، "قندار خیل بالا محله" ، "برارده" ، "ورکلا" ، "صاحبی" ، "دنگرگ" توسط یکی دیگر از شاهپورها غصب شد .

زمینهای غصبی فوق (واقع در دشت ناز) ، نیز وسیله ای بود برای استثمار کارگران کشاورز و بی چیز این ناحیه و سرانجام ن کردن ثمرات تولیدی آن بدیگ منافع امپریالیستها .

غصب هزارها هکتار از بهترین اراضی مزروعی ایران توسط کارگزاران منافع امپریالیزم و دگرگون کردن کشت بومی در آنها - که نیازهای اقتصاد ملی را بر آورده میکردند ، - بزودی اثرات خود را بخشید و در عرض مدت کوتاهی کشاورزی ما آنچنان نابود گشت که حتی اساسی ترین نیازهای حیاتی میبایست از خارج وارد گردد .

کشت روی زمینهای مذکور بطور غالب ، توسط روستائینی انجام میگردد که زیر فشارهای همه جانبه زمین خود را به بهایی نازل فروخته اند و بصورت کارگر مزد بگیر در اختیار موسسات گرداننده امور زمینهای غصبی یاد شده قرار گرفته اند .

پس از گریختن جیره خواران امپریالیسم از کشور روستائینی که تحت ستم مستقیم آنان همه هستی خود را باخته بودند به احیاء حقوق خود امیدوار شدند با این اعتقاد که اگر دولتی که روی کار خواهد آمد برآستی انقلابی و نماینده توده های انقلابی باشد ، حتما ابتدایی ترین حقوقشان را مسلم و محفوظ خواهد شناخت و زمینهای غصب شده از ایشان را از آن خودشان خواهد دانست در دشت ناز ، کارگران موسسه مربوطه پس از ۲۱ و ۲۲ بهمن ، شورای موقتی را تشکیل داده نگرانی از موسسه را خود بعهده گرفتند و با وجود محروم بودن از امکانات مالی کافی ، به کشت بهاره در زمینها پرداختند (ذرت ، سویا ، گندم) با آنکه کارگران در تمام مدت کشت از هیچ سو حقوقی دریافت نمیکردند اما چون امید داشتند در وقت برداشت محصول از نتایج کارشان خود بهره مند شوند ، با جان و دل کار کرده همه به موسم درودل بسته بودند اما همینکه موقع برداشت محصول فرا رسید ، ناگهان سرو کله نمایندگان "دادگاه انقلاب" و "بنیاد مستضعفین" و . . . پیدا شد .

چون کارگران هنگام تشکیل شورا حدود ۱۱ تن از نمایندگان شاهپور را اخراج کرده به محل کار راه نمیدادند ، این موضوع با مخالفت استانداری مازندران روبرو شد و در یکی از جلسات که با حضور اعضای شورای موقت در محل استانداری برگزار شده بود ، استانداری آنان را مکلف به استخدام مجدد این ۱۱ نفر نمود و چون با امتناع آنان مواجه شد ، با تهدید و ارباب از آنان امضای موافقت گرفته البته برای نیل به این هدف بیشرمانه خود تعدادی یاسدار مسلح را با دستبند هایی برای بازداشت به محل فرا خواند تا در صورت مخالفت نمایندگان ، آنان را بازداشت نماید .

غروب آنروز وقتی نمایندگان به روستای خود بازگشتند و قضیه را با مردم ده که بیصبرانه در انتظار بودند در میان گذاشتند ، خشم روستائیان از این اقدام ضد مردمی برانگیخته و موجب شد که فردای آنروز همگی با هم دست به راهپیمایی اعتراض آمیز از روستا به دشت ناز بزنند با این شعار که ما تهدید

پس از رسیدن به محل موسسه، جلوی در ورودی آن بر زمین نشستند و در همین بین سر و کله پاسداران و نظامیان که با دو کامیون (ریو) آمده بودند پیدا شد. آنچه روستائیان را به تعجب واداشت همراهی آقای رضائی (پدر مجاهدین شهید) با هیئت اعزامی بود. آقای رضائی در سخنرانی خود پس از "نصیحت" کشاورزان دوتن از آنان را "ضد انقلاب" خواند! این اتهام باعث شد که روستائیان دستجمعی در صدد پاسخگویی برآمده جواب دهند: اگر این کارگران کشاورز با این خواسته خود ضد ضد انقلابیند، پس ما همه ضد انقلابی هستیم.

بهر حال در گفتگوهای بعدی که بین مقامات و روستائیان در گرفت، قرار شد ۲۰ درصد از گندم محصول بهار (۱۳۵۸) به آن عده از اهالی که سهم دارند داده شود. حتی مجوز کتبی برای تصاحب ۲۰ درصد به اعضای شورای موقت داده شد اما بعد از آن موضع مسکوت ماند. کارگران تا این زمان حقوقی دریافت نکرده بودند ولی در همین بین موسسه در اختیار "بنیاد مستضعفین" قرار گرفت و کارگران توانستند با اعتصابهای پی در پی، حقوق ناچیز پرداخت نشده را از "بنیاد" بگیرند.

اواسط تابستان "بنیاد" شخصی را مامور رسیدگی به وضع کارگران نمود و این شخص قصد "بنیاد" مبنی بر اخراج تعدادی از کارگران را به اطلاع آنان رسانید و ادامه کار کردن را منوط بدان ساخت که هر يك از کارگران از دستمزد روزانه خود ۲۰۰ ریال بکاهند (حقوق کارگران زن روزانه بین ۲۴۰ تا ۲۶۰ ریال و حقوق کارگران مرد بین ۴۰۰ تا ۸۰۰ ریال بود). البته کارگران بشدت مخالفت کردند و مسئله همچنان لاینحل ماند. لازم به یاد آوریم که شخص مزبور مدتی بعد بجرم ساواکی بودن در خارج از کشور دستگیر و زندانی شد.

کارگران موسسه که سطح دستمزدشان فوق العاده پائین بود، و با افزایش سرسام آور قیمتها و بالا رفتن سطح هزینه روز به روز بیشتر تحت فشار قرار میگرفتند، برآن شدند نمایندگانی از جانب خود به تهران گسیل دارند تا برای افزایش دستمزد به وزارت کار مراجعه نمایند. اما وزارت کار در مقابل مراجعات مکرر نمایندگان بی اعتنا ماند و اعلام داشت که نمایندگان "کمونیسست" هستند و از نظر وزیر وزارتخانه رسمیت ندارند!

کارگران بناچار دست به اعتصاب دیگری زدند و ۳ روز از اعتصاب میگذشت که سر و کله نمایندگان وزارت کار پیدا شد. پس از يك سلسله بگو و مگوها در حضور وی دوباره نمایندگان انتخاب شدند (دو نفر همان نمایندگان قدیمی و سه نفر دیگر جدید بودند) و اینها با کارفرما و نماینده وزارت کار جلسه ای تشکیل دادند و تصمیماتی راجع به پرداخت حقوق و مزایای معوقه گرفته شد اما مشکل اصلی همان یعنی پائین بودن سطح دستمزد همچنان بجای خود باقی ماند. باز مراجعات مکرر به وزارت کار شروع شد. مسئولین در مقابل درخواست کارگران که خواستار حد اقل دستمزد تعیین شده برای يك کارگر بودند میگفتند: این حد اقل، مربوط به موسسات صنعتی است نه کشاورزی!

نمایندگان که دیگر به همه در زده و نتیجه ای نگرفته بودند، کارگران موسسه را در جریان بی ثمر بودن اقدامات خود قرار دادند و این بار کارگران تصمیم گرفتند جماعتی دست بکار شوند و برای همین بود که

پیروزی مبارزه حق طلبانه کارگران

در تاریخ یاد شده، مهندس آمرالهی را به گروگان گرفتند. آقای طباطبائی در دنباله سخنان خود پیشنهاد ۱۰ درصد افزایش حقوق را داد اما با مخالفت کارگران روبرو شد. سرانجام پس از پاره ای گفتگوها در موارد زیر توافق بعمل آمد:

- ۱ - حداقل دستمزد کارگرانی که کمتر از ۵۰۰ ریال در روز دریافت میدارند به ۵۶۷ ریال افزایش یابد.
- ۲ - حقوق کارگرانی که ماهانه بین ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ ریال دریافت میدارند ۱۵ درصد افزایش یابد.
- ۳ - حقوق کارگرانی که بیشتر از ۲۰۰۰ ریال در ماه دریافت میدارند ۱۰ درصد افزایش یابد.
- ۴ - یکارگران کفش و لباس داده شود و برایشان سرویس آمد و شد دایر شده و حمام ساخته شود.

با این توافق، گروگان آزاد شد. ۲ شب بعد آقای میر محمدی شورا را به تشکیل جلسه دعوت نمود و در آن پس از گفتگو راجع به زمینهای "دشت ناز" تصمیم مسؤلان را باین شرح با اطلاع رسانید:

از زمینها تعیین گردد تا پس از جمع آوری محصول و کسر مقادیری، باقیمانده طبق سهام تعیین شده به

صندوق آن ده جاری گردد.

***** اخبار کوهسار *****

***** ساری ***** آنچه در ذیل میآید، هفته گذشته از سوی گروهی از فارغ التحصیلان بیکار پخش شده است

بیکاران متحد شوید.

اکنون که نزدیک به یکسال از انقلاب شکوهمند خلقهای مبارز میهنمان میگذرد، ما قشر بیکاران برای رفع مسئله بیکاری، بارها و بارها به مقامات مسؤل مراجعه کرده و تنها جوابی که از آنها دریافت داشته ایم وعده و وعیدهای تو خالی و دعوت نمودن به صبر انقلابی بیش نبوده و در این میان تنها ما بیکاران بوده ایم که تاکنون صبر انقلابی داشته ایم ولی مسؤلین امر نه تنها هرگز به وعده های خود عمل نکردند، بلکه سعی نمودند که خواستههای بحق ما را یک عمل ضد انقلابی توجیه کنند. بیکاران! صبر انقلابی دیگر بس است و با اتحاد خود هرگونه نیرنگ و بی توجهی مقامات مسؤل را افشاء نمائیم.

***** بندرانزلی *****

قرار بود سلعت ۴ روز پنجشنبه ۲۲ / ۵۸ / ۵۸، یک راهپیمایی در سطح شهر صورت پذیرد. علت اتخاذ این تصمیم دستگیری ۲ تن در راه با رویدادهای خونین انزلی در ۲۳ - مهر ماه گذشته و بازداشت مولانی آنها آنهم بدون محاکمه بود. اما در همانروز بمناسبت سالروز ستر کوبی مردم انزلی در گورستان این شهر راهپیمایی اعلام و در نتیجه راهپیمایی اول لغو شد. ابق آخرین اخبار (تایید نشده) دو زندانی فوق اکنون به تهران منتقل شده اند. لازم به یاد آوری است که یکی از دستگیر شدگان در زندان اعتصاب غذا نمود و این وضع حداقل سه روز ادامه داشت.

***** گرگان *****

اعضای "اتحادیه زمینداران"، در نشستی که در گرگان داشتند ۱۰ نفر را بعنوان

نماینده از بین خود برگزیدند. نمایندگان فوق روز چهارشنبه ۵۸/۹/۲۱ با استاندار مازندران (در ساری) تماس گرفته از او کسب تکلیف نمودند. استاندار به آنان گفت که چون فعلاً هر اقدامی از سوی دولت مستقیماً بسود "کمونیستها" است، پس بهتر است موقتاً با کشاورزانی که روی زمینهای "شما" - (زمینداران) کار میکنند مدارا کنید تا در آینده هر چه نزدیکتر به حساب این "متجاوزین" ! برسیم

*** در اخبار ساعت ۷ بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۵ آذر ماه تلویزیون مازندران اطلاعیه ای از سوی رئیس دادگاه انقلاب "بابل خوانده شد. در این اطلاعیه آمده است که کسی حق مصدوره زمین و باغات را که جزو اراضی مالکین اصلی آنهاست، ندارد و در صورت ارتکاب چنین عملی "ضد انقلاب" شناخته شده بمجازات خواهد رسید.

*** بابل : طبق اطلاعات واصله قرار است امروز (شنبه اول دیماه) اعضای "اتحادیه زمینداران" با پوشیدن لباسهای روستائی به هیئت کشاورزان در آمده راهی قم شوند و با خمینی ملاقات نمایند. گفته میشود آنان قصد دارند ضمن بازی کردن نقش "کشاورزان زحمتکش" ! مصدوره کنندگان زمینهای در اختیار خود را "کمونیست" معرفی کرده از آنان بعنوان مزاحمین شکایت نمایند و با تحصن خواستار حل مشکل خود شوند !!

*** سرو : بطوریکه میدانیم "جاشها" مزدوران خود فروخته ای هستند که در جریان مبارزات دلیرانه خلق کرد یکی از تکیه گاههای عمده ارتجاع برای سرکوبی جنبش مردم کردستان بودند. اینان هم اکنون نیز همچنان در حال اجرای دسیسه های ارتجاع میباشند. هفته گذشته ۷ تن از آنان توسط نیروهای انقلابی کرد خلع سلاح شدند.

*** بالنج : انقلابیون کرد میدانند که "حاکمیت اگر دست به عقب نشینی زده است، تنها بیه این خاطر است که بار دیگر خود را سازمان داده و در شرایط مناسبتری به تهاجم مجدد بپردازد. هم اکنون نیز توطئه های ارتجاع در حال اجراست چنانکه حدود دو هفته قبل (پس از آغاز مذاکرات صلح) یک پیشمرگه کرد قربانی این دسایس شد و در روستای بالنج بقتل رسید. انقلابیون کرد که میدانند پیروزی بدست آمده لحظه ای است و تنها در نبرد های آینده هر چه بیشتر عمق یافته و امکان تحقق واقعی خواهد یافت، بر همشیرای خود افزوده اند و در جریان عملیات تجسسی خود در رضائیه به پاسدار مسلح برخورد کرده آنان را خلع سلاح نمودند (حدود دو هفته قبل).

یک خبر خارجی : مادرید - ۱۳ دسامبر ۷۹ - کارگران اتحادیه های کارگری مادرید در یک تظاهرات وسیع نسبت به اعتراض نسبت به قانون کار دولت زدند. حدود ۱۰۰/۰۰۰ تن از تظاهرها کنندگان در جلوی ساختمان "پلازا ابلزادور" واقع در مرکز شهر مادرید گرد آمدند تا به سخنان رهبران اتحادیه کارگران کمونیست و نیز دو اتحادیه چپ گرای دیگر گوش فرا دهند. شهود عینی گفتند که این تظاهرات با ورود پلیس به خشونت گرایید و در این بین دو تن کشته و تعداد زیادی مجروح شدند. در همانروز اندکی پیش از تظاهرات مذکور، حدود ۱۵۰۰ تن از دانشجویان بیک راهپیمایی دست زدند و مانع از حرکت اتوبیلهای در خیابان ها شدند و اتوبیلهای را نیز با تشر کشیدند. این تظاهرات نیز توسط پلیس سرکوب شد.